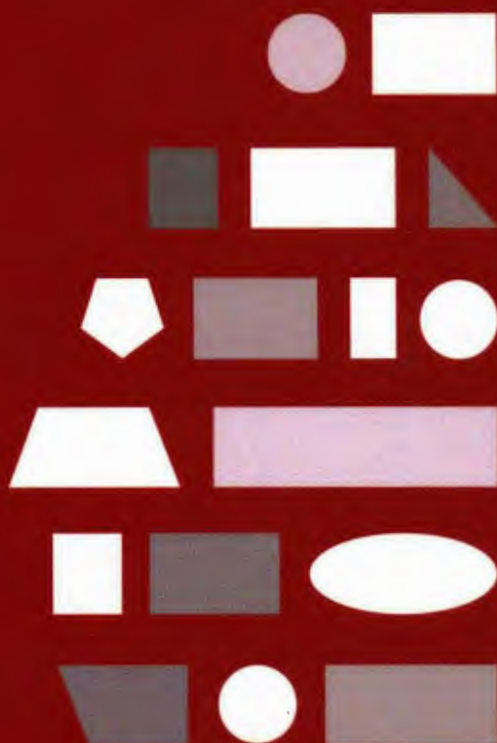




# نشانه شناسی و شعر

..... علیرضا بهنام



تألیف: علیرضا بهنام

# نشانه‌شناسی و شعر



نشر سحاب سرخ

تهران - ۱۳۹۲

# نشانه‌شناسی و شعر

تألیف: علیرضا بهنام

صفحه آرایی و حروف چینی: وحید اخباری  
ویراستار: محمدرضا مردانیان  
طراح جلد: سارنگ مؤید  
چاپ اول: زمستان ۱۳۹۷  
شمارگان: ۷۰۰ نسخه  
چاپ و صحافی: چاپ روز  
حق چاپ محفوظ است.  
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۳۴۸-۹۴-۲

نشر سیب سرخ

تهران، خیابان انقلاب، روبروی درب اصلی دانشگاه تهران، پاساژ پارسا، پلاک ۱۰۳

۶۶۹۷۲۹۷۶ - ۶۶۹۷۳۱۸۳

[www.nashresibesorkh.ir](http://www.nashresibesorkh.ir)



## فهرست

|    |                                       |
|----|---------------------------------------|
| ۷  | پیشگفتار.....                         |
| ۱۵ | رمز گذاری موسیقایی با واژگان شعر..... |
| ۲۳ | واژه و تصویر.....                     |
| ۲۹ | انتقال معنا.....                      |
| ۳۷ | رمز گذاری سینمایی در شعر.....         |
| ۴۷ | شکل اجرا.....                         |
| ۵۳ | شعری با مصالح مصرفی.....              |

## پیشگفتار

نشانه‌شناسی یکی از شاخه‌های نسبتاً جدید معرفت بشری است که هنوز از عمر آن بیش از یک قرن نمی‌گذرد. همین موضوع موجب می‌شود این معرفت جدید را نتوانیم با سنت‌های جا افتاده و شناخته‌شده‌ای همچون فلسفه یا کلام مقایسه کنیم یا نسبت درستی میان آنها پیدا کنیم که نزد همه‌ی صاحب‌نظران مقبول باشد. این معرفت جدید صورت‌بندی نظری خود را مدیون دو اندیشمند است یکی لویی فردینان دو سوسور<sup>۱</sup> زبان‌شناس چک و دیگری چارلز سندرس پیرس<sup>۲</sup> منطق‌دان آمریکایی. این دو اندیشمند تقریباً همزمان با هم اما با دو سنت متفاوت اندیشه به ضرورت صورت‌بندی علمی جدید وقوف پیدا کردند که امروزه نشانه‌شناسی نامیده می‌شود. مکاریک در دانشنامه‌ی نظریه‌های ادبی معاصر نشانه‌شناسی را چنین تعریف می‌کند: «نشانه‌شناسی مطالعه‌ی نظام‌مند همه‌ی عواملی است که در تولید و تفسیر نشانه‌ها یا در فرایند دلالت شرکت دارند.»<sup>۳</sup> به این ترتیب روشن است که

---

1- L. F. de Saussure

2- C. S. Peirce

۳- مکاریک، ایرناریما، دانشنامه‌ی نظریه‌های ادبی معاصر، ترجمه مهران مهاجر و محمد نبوی، نشر آگه، ۱۳۸۴، ص ۳۲۶

این شاخه‌ی جدید معرفت بیشتر با علم حصولی نسبت دارد تا فلسفه‌ی محض چرا که پایه‌ی آن بر مطالعه‌ی نظام‌مند یک پدیده با روشی تجربی ریخته شده است. لویی فردینان دو سوسور در کتاب *درس‌های زبان‌شناسی* (۱۹۱۶) عمومی درباره‌ی امکان وجود چنین معرفتی گفته است: «می‌توان علمی را متصور شد که موضوعش پژوهش تکامل نشانه‌ها در زندگی اجتماعی باشد. این علم بخشی از روانشناسی اجتماعی و از این رو شاخه‌ای از روانشناسی همگانی خواهد بود. ما آن را سمیولوژی<sup>۱</sup> می‌خوانیم (از واژه‌ی یونانی سمیون<sup>۲</sup> به معنی نشانه). نشانه‌شناسی معلوم خواهد کرد که نشانه‌ها از چه چیزها ساخته می‌شوند و قوانین حاکم بر آن‌ها کدامند.»<sup>۳</sup> سوسور بر این باور بود که این علم جدید می‌تواند زیر مجموعه‌ای از زبان‌شناسی باشد. پیرس در این مورد با سوسور هم‌رأی نبود. او در آخرین سال حیاتش یعنی ۱۹۱۴، از اصطلاح سمیوتیکز<sup>۴</sup> یا علم نشانه برای نامیدن شاخه‌ای از دانش استفاده کرد که به بررسی ارتباط انسانی از هر نوعی که باشد بپردازد. به باور او هر چیز که به چیزی دیگر دلالت می‌کند می‌توانست در محدوده‌ی این علم به ارزیابی درآید.<sup>۵</sup> به این ترتیب بر مبنای نظریه‌ی پیرس این معرفت جدید می‌توانست گستره‌ای وسیع از ایما و اشاره‌ی انسانی گرفته تا آداب اجتماعی یک طبقه‌ی معین اجتماعی و همچنین زبان، تصویر و هر وسیله‌ی ارتباطی دیگری را در بر بگیرد. به این ترتیب می‌توان نتیجه‌گیری کرد که بر مبنای آرای پیرس، زبان‌شناسی می‌توانست شاخه‌ای از علم گسترده‌ی نشانه تلقی شود. این دو نظریه‌پرداز در دیگر آرای خود نیز به همین نسبت تفاوت‌هایی دارند که در نهایت

---

1- Semiology

2-Semion

۲- احمدی، بابک، از نشانه‌های تصویری تا متن، نشر مرکز، ۱۳۷۱، ص ۸

4- Semiotics

۵- همان، ص ۷

امروزه ترکیبی از نظریه‌های هر دو به انضمام آرای اندیشمندانی چون بارت، لاکان و پل ریکور آنچه را با عنوان نشانه‌شناسی می‌شناسیم شکل داده است. با این همه پیش از آغاز بحث درباره‌ی نشانه‌شناسی شعر شایسته به نظر می‌رسد مختصری به مبانی نظری این دو پیشگام نشانه‌شناسی و تفاوت‌های این نظریه‌ها بپردازیم.

سوسور به‌عنوان یک زبان‌شناس، کار خود را از بررسی نشانه‌هایی که یک زبان را می‌سازند آغاز می‌کند. او میان لانگ<sup>۱</sup> که به زبان نوشتاری اطلاق می‌شود و شامل نشانه‌هایی است قراردادی که منشی تجریدی و خودبسنده دارند و پارول<sup>۲</sup> که به گفته‌های واقعی اطلاق می‌شود که حالات و اشاره‌های گوینده نیز در آن موثر است تمایز قایل شد و لانگ را به جهت آن که سرشت قراردادی و تجریدی آن برای بحث با شیوه‌های علمی مناسب‌تر می‌نمود به‌عنوان مبنایی برای بررسی‌های خود برگزید. او برای بررسی نشانه‌ی زبانی تقابل دوگانی دیگری را مطرح کرد که بر پایه‌ی آن هر نشانه‌ی زبانی به دو بخش دال و مدلول تقسیم می‌شد. در این تقسیم‌بندی دال به تصویر آوایی نشانه گفته می‌شود که آن را می‌نویسیم و مدلول به مفهومی اطلاق می‌شود که این تصویر آوایی در یک زبان خاص به آن اشاره می‌کند. به باور سوسور نشانه از ترکیب دال و مدلول است که ساخته می‌شود و هیچ‌یک از این دو به‌تنهایی نمی‌توانند نشانه نامیده شوند. در واقع رابطه‌ی ساختاری دال و مدلول است که یک نشانه را می‌سازد. این رابطه رابطه‌ای دلبخواهی است و اساسی طبیعی ندارد و از این رو امری قراردادی است که تنها میان انسان‌هایی که به زبانی معین سخن می‌گویند اعتبار دارد. باور دیگر سوسور

---

1- lang

2- parol

این بود که در یک نظام زبانی هیچ چیز به خودی خود دارای معنا نیست بلکه معنا از تفاوت میان نشانه‌های مختلف در چارچوب نظام زبان پدید می‌آید. برای مثال در زبان فارسی واژه‌ی پیر، تنها از طریق شناخت تفاوت‌هایش با واژه‌های دیر، زیر و نظایر آن معنا دار می‌شود و این نظر سوسور سرآغاز پیدایش علمی شد به نام واج‌شناسی که از زیرشاخه‌های زبان‌شناسی است و کار آن مطالعه‌ی انواع مختلف ترکیب واج‌ها در یک نظام زبانی است. تقابل دوگانی دیگری که در اندیشه‌ی سوسور دارای اهمیت است تقابل محورهای هم‌نشینی و جانشینی است. بر این مبنا محور هم‌نشینی از کنار هم قرار گرفتن واحدهای زبان به صورت خطی و ترکیب آنها به صورت زنجیره‌ای شکل می‌گیرد حال آن که محور جانشینی از واحدهای زبانی‌ای شکل می‌گیرد که به اعتبار تشابه معنایی با نشانه‌های حاضر در یک گفته‌ی معین می‌توانند جایگزین آنها شوند. او به این ترتیب توجه محققان را به دو نوع متمایز فعالیت ذهنی جلب کرد که در کاربرد زبان ضروری هستند؛ نخست ترکیب خطی عناصر که در آن هر عنصری معنای خود را در تقابل با عناصر پیشین و پسین خود به دست می‌آورد و دوم جایگزینی احتمالی یک عنصر با عنصری دیگر بر پایه‌ی پیوندهای مشترکی که این دو عنصر با هم دارند. نکته‌ی نهایی که در بررسی نظریه‌ی سوسور اهمیت دارد تمایزی است که او میان مطالعه‌ی در زمانی و همزمانی قایل می‌شود. او مطالعه‌ی در زمانی را شکلی از مطالعه‌ی زبان می‌داند که به تشریح تحولات زبان در طول زمان می‌پردازد و آن را برای کار خود سودمند نمی‌یابد؛ به جای آن او مطالعه‌ی همزمانی را پیشنهاد می‌کند که بر مبنای آن روابط کارکردی نشانه‌ها در نظامی معین و در زمانی مشخص بررسی می‌شوند. به باور او این شیوه برای پژوهشگر این امکان را پدید می‌آورد که زبان را به عنوان نظامی مستقل و فارغ از انگاره‌های تاریخی مورد ارزیابی قرار دهد.

با آن که مطالعات سوسور تأثیر عمیقی در پیدایش نشانه‌شناسی داشت و تا سال‌ها توسط نظریه‌پردازان دیگری چون بارت مورد بررسی و استناد قرار می‌گرفت اما در سال‌های اخیر نظریات پیرس، دیگر بنیان‌گذار علم نشانه‌شناسی به‌طور فزاینده‌ای توجه محققان را به خود جلب کرده به‌طوری که در پاره‌ای موارد نظریات این اندیشمند آمریکایی در کنار نظریات سوسور یا حتی به‌جای آنها مورد استناد قرار می‌گیرند. از نقاط اختلاف نظریه‌ی او با اندیشه‌های سوسور می‌توان به این نکته اشاره کرد که او به‌جای تقابل‌های دوگانی سوسور به روابطی سه پایگانی معتقد بود. او به‌جای رابطه‌ی دوگانی دال و مدلول چنین می‌پنداشت که نشانه از رهگذر رابطه‌ای که با «موضوع» -یعنی چیزی که به آن دلالت می‌کند- و «تعبیر» -یا ایده‌ای که در جریان این فرایند در ذهن ساخته می‌شود- به‌وجود می‌آید. او تعبیر را به‌تنهایی یک نشانه می‌دانست که خود از طریق ذهن انسانی نشانه‌ی دیگری تولید می‌کند. او این تولید مداوم نشانه در ذهن بشر را نشانه‌پردازی بی‌پایان نامید. او هم‌چنین میان سه وجه وجود تمایز قایل شد: اولیت، دومیت و سومیت. بر این اساس اولیت ویژگی چیزها را در خود آنها مشخص می‌کند مثل سبزی در یک شیء سبزرنگ، دومیت به رویدادهایی واقعی مربوط می‌شود که شبیه ویژگی‌های ذاتی اولی نیستند و در ارتباط با چیزی دیگر یا در واکنش به آن وجود دارند مثل آویزان بودن از سقف برای شیء سبزی که از سقف آویزان است. سومیت مشخصه‌ی قوانین و مفاهیم عامی است که میان اولی‌ها و دومی‌ها رابطه ایجاد می‌کند مثل قوانین مکانیکی جاذبه و اینرسی که شیء سبزرنگ آویزان از سقف را در همین وضع نگاه می‌دارد. سومین سه‌گانی مهم پیرس طبقه‌بندی نشانه‌ها به سه دسته‌ی شمایل، نمایه و نماد است بر این مبنا شمایل نشانه‌ای است که به موضوع خود شباهت دارد مثل

یک پرتره. رابطه‌ی یک نمایه با موضوع خود به دلیل مجاورت است مثل دود که نمایه‌ای است که بر آتش دلالت می‌کند و در مرحله‌ی سوم نماد قرار می‌گیرد که رابطه‌اش با موضوع خود بر پایه‌ی قرارداد است؛ بر این مبنا هر نشانه‌ی زبانی که بر پایه‌ی قرارداد بر مفهومی دلالت می‌کند یک نماد است. محققان نشانه‌شناس بر پایه‌ی این دو نظریه‌ی مادر انواع نظام‌های قراردادی را تاکنون مورد بررسی قرار داده‌اند.

نشانه‌شناسی از آنجا که شیوه‌ای روشمند با قواعد مشخص برای سنجش روابط تشکیل‌دهنده‌ی یک متن به دست می‌دهد از حدود نیم‌قرن پیش به این سو به شکلی فزاینده توسط منتقدان ادبی مورد توجه قرار گرفته و در بسیاری از مطالعات ادبی مبنای نظری پژوهش را تشکیل داده است. در متن حاضر، نگارنده بر آن است تا به شکلی اجمالی با به‌کارگیری ترکیبی از دو نظریه‌ی اصلی پیش‌گفته به صورت‌بندی نظری بخشی از تاریخ معاصر شعر فارسی بپردازد. مبنای این ترکیب چنین است که اینجا با پذیرفتن نظر پیرس درباره‌ی امکان تعمیم نشانه به هر دستگاه معناداری که در ارتباط میان انسان‌ها به کار می‌رود در بررسی هر متن دستگاه‌های مختلفی را مشخص خواهیم کرد که در عرض یکدیگر عمل می‌کنند تا در نهایت با همپوشانی کارکردهای خود نظام نهایی متن را سامان دهند. در عین حال اگرچه مبنای تحلیل هر یک از این دستگاه‌ها را رابطه دال و مدلولی سوسوری قرار خواهیم داد اما از تأثیر فرایند دلالت در شکل‌گیری این رابطه نیز غافل نمی‌شویم و این مفهوم را معادل اصطلاحی به کار خواهیم برد که پیرس از آن با عنوان تعبیر یاد کرده است. در عین حال تمایز منطقی گونه‌های مختلف نشانه‌ها به سه دسته‌ی شمایل، نمایه و نماد نیز نکته‌ی دیگری است که از بررسی‌های پیرس به متن حاضر راه یافته و به کمک آن دستگاه‌های مختلف نشانه‌ای را در متون مختلف از هم متمایز خواهیم کرد.

در بررسی شعر به مثابه یک دستگاه نشانه‌شناسیک ابتدا ناگزیریم ویژگی‌هایی را برشماریم که شعر را از دیگر انواع متن ادبی متمایز می‌کند و برای این کار ناگزیر خواهیم بود با استفاده از تعریف‌های موجود از کلام شاعرانه، محدوده‌ای از زبان را مشخص کنیم که در عرف زبان، شعر نامیده می‌شود. گام بعدی در این پژوهش مشخص کردن انواع مختلف کلام شاعرانه با استفاده از نسبت‌هایی خواهد بود که با نظام‌های مختلف نشانه‌شناختی برقرار می‌کنند. بدیهی است که در دنیای امروز پراکندگی و گوناگونی رویکردهای مختلف شعر که بخشی از آن به شعر معاصر فارسی نیز راه یافته است پیدایش نظریه‌ای فراگیر که درباره‌ی همه‌ی انواع شعر صدق کند را غیر ممکن می‌سازد و از این رو در چنین پژوهشی حفظ دقت نظر بدون توجه به این گوناگونی رویکردها به پدیده‌ی شعر ممکن نیست. در نهایت لازم خواهد بود به نسبت‌هایی اشاره کنیم که میان هر یک از دستگاه‌های نشانه‌ای تشکیل‌دهنده‌ی یک شعر با دیگر دستگاه‌های نشانه‌ای مستقل پدید می‌آید و پدیده‌ای را موجب می‌شود که ریکور از آن به تداخل ژانرها تعبیر کرده است. برای مثال پیدا کردن نسبت میان دستگاه نشانه‌ای موسیقی در شکل گرفتن یک شعر با دستگاه نشانه‌ای موسیقی به مفهوم عام از جمله مسائلی است که در کتاب حاضر به آنها خواهیم پرداخت.

موضوع بعدی بررسی حاضر تشریح نحوه‌ی تأثیرگذاری مشترک نظام‌های مختلف نشانه‌شناسیک در یک متن بر یکدیگر در فرایند شکل‌گیری معنا در ذهن مخاطب خواهد بود که در این بخش ناگزیر از آرای روانکاوان نیمه‌ی دوم قرن بیستم به‌خصوص لاکان کمک خواهیم گرفت. اگرچه این متن تا سرحد امکان تلاش می‌کند از موضوع اولیه‌ی خود که نشانه‌شناسی است خارج نشود. با این حال با توجه به تداخل حوزه‌های علوم مختلف، بدیهی است که در

بخش‌هایی مانند این ناگزیر خواهد بود در بعضی از حوزه‌های متداخل وارد شود تا بتواند به سرانجام برسد.

کتاب حاضر با تشریح نمونه‌هایی از شعر معاصر به کمک معیارهایی که در طول متن معرفی شده‌اند و تجزیه و تحلیل دستگاه‌ها و روابط نشانه‌شناسیک درون این متن‌ها به سامان می‌رسد. بدیهی است که در این شیوه از بررسی متون ادبی، ارزش‌گذاری جایی ندارد و بنابراین سنجش ارزش ادبی این متون در قیاس با یکدیگر و در مقایسه با متون دیگر ادبی موضوع پژوهش حاضر نخواهد بود.